

از کجا باید آغاز کرد؟ (۳)

عباس عبدي

درباره چگونگی حل مسائل خوزستان

۴- مشکلات اصلي ايران ساختاري تر از آن است که با سياست‌هاي مقطعي و فني درمان شود. چنين رفتاري اتلاف وقت است. ضرورت دارد به يك پيش‌زمينه مهم حل اينگونه مسائل کشور اشاره کنم؛ فقدان اعتماد اجتماعي. اگر کسي گمان مي‌کند که بدون پرداخت هزينه‌هاي گزاف قادر به حل مشکلات کشور است، بدون تردید در سلامت عقلي او بايد شك کرد. اساسا يکي از ريشه‌هاي بحران‌هاي کشور در وجود اين نگاه است که گمان مي‌کنند راه‌حل‌هاي مسوولان، سراسر خير و برکت است. اگر آب کارون به مناطق مرکزي مي‌آيد، گمان مي‌کنند که اين خير مطلق است و هيچ عوارضي ندارد. گويي که آب آنجا مفت و مجاني بوده و هدر ميرفته است و بايد جلوي هدررفت را گرفت. پس اگر از ابتدا مي‌دانستند که اجرائي اين طرح هزينه‌هايي دارد که بايد شناخته شود و براي آن چاره‌اندوشي کرد، در اين صورت يا احتمالا آن طرح را اجرا نمي‌کردند، يا اگر انجام مي‌دادند، حتما تمهيداتي هم براي جبران مشکلات آن مي‌انديشيدند. يکي ديگر از موضوعات ساختاري و مهم که در ايران مورد توجه سياستگذار قرار نمي‌گيرد و عوارض بسياري را ايجاد مي‌کند، موضوع قيمت‌گذاري است. اين نظام قيمت‌گذاري مشکلات آب و برق و انرژي در کشور را ايجاد و تشديد کرده است. تا هنگامي که آب و برق قيمت واقعي نداشته باشند، نقش آنها در توليد کالا دچار اختلال ميشود. نگاه رسمي حکومت ايران به آب مثل نفت است. حتي بدتر از نفت، زيرا نفت بازار بين‌المللي و قيمت شناخته شده‌اي دارد، ولي آب فاقد چنين بازار و قيمتي است. از اين رو گمان مي‌کنند، آب همان نفت خدادادي و مجاني است. از برف و باران به دست مي‌آيد و مفت است. اين نگاه ريشه بخش مهمي از اتلاف منابع در ايران است. حالا فرض کنيد که بخواهند دو مساله وجود هزينه‌هاي سنگين و قيمت‌گذاري را حل کنند که بدون حل آنها هيچگاه مسائل آب و برق و انرژي حل نخواهد شد. رعايت اين دو نکته نيازمند اعتماد اجتماعي است. اعتمادی که اگر وجود نداشته باشد، با يك افزايش قيمت بنزين حوادث آبان 1398 ايجاد ميشود. براي انجام چنين اصلاحاتي نياز به مسوولاني داريم که مورد اعتماد جامعه باشند، اگر حرفي زدند و قولی دادند که نيازمند تحمل قدری رنج و سختي است، مردم آن را بپذيرند و

همراهی کنند. ولی چه کسی گمان می‌کند که با انتخابات اخیر چنین اعتمادی ایجاد یا تقویت شده است؟ مگر دست‌اندرکاران انتخابات به مردم و انتخاب‌آنان اعتماد کردند که مردم اعتماد متقابل نشان دهند؟

به‌طور خلاصه باید گفت:

1- مشکلات و مسائل خوزستان شاید شدت و ضعف آن با مسائل دیگر نقاط کشور تفاوت داشته باشد، ولی در اساس همگی این مشکلات ناشی از یک وضعیت و رفتار مشابه و ضمناً شناخته شده است.

2- این مشکلات و مسائل در اغلب موارد فنی و جزئی نیست که در دل روال تصمیم‌گیری موجود قابل حل باشد، هر گونه نگاهی فنی و جزئی و موردی به این مشکلات نه تنها موجب حل آن نمی‌شود، بلکه مشکلات را بدتر می‌کند.

3- چرا این مشکلات اکنون بروز پیدا کرده؟ برای اینکه تاکنون با اتکا به درآمدهای نفتی و خوردن از منابع طبیعی، آثار منفی و دردآور این سیاست‌ها تحمل‌پذیر می‌شد. ولی اکنون با متوقف شدن درآمدهای نفتی و افزایش فشار بر منابع پایان‌پذیر طبیعی، این عوارض شدیدتر از آنچه که تصور می‌شد نمود پیدا کرده است.

4- مردم هیچ امکانی برای بازتاب مدنی خواسته‌های خود ندارند. مردم فاقد نمایندگی در سطح سیاسی و حقوقی و نیز در سطح مدنی هستند. در نتیجه توده‌وار وارد میدان می‌شوند.

5- فقدان رسانه‌های آزاد و کارکردی و به ویژه نداشتن رادیو و تلویزیون کارآمد، اجازه نمی‌دهد که حقیقت روشن شود یا حقیقت و آگاهی تبدیل به قدرت گردد، در نتیجه مشکلات لاینحل باقی مانده است و عمیق‌تر نیز می‌شود.

6- تنها راه ممکن برای حل مسائل کشور از جمله خوزستان بازگشت به شعار اصلی انقلاب، یعنی حاکمیت مردم، البته بدون اما و اگر و محدودیت‌های قدرت‌ساخته است. این تنها راه برای بازسازی اعتماد ملی به مدیران است.

7- بدون وجود اعتماد اجتماعی از سوی مردم به حکومت‌کنندگان و بدون وجود نمایندگی‌های واقعی مردم در سطح حکومت و نهادهای مدنی و رسانه‌ای، ممکن نیست که مشکلات را به صورت ریشه‌ای بتوان حل کرد. پس نقطه آغاز معلوم است. احیای اعتماد اجتماعی مردم از طریق امکان‌شکل‌دادن نمایندگی واقعی مردم در ساختار حقوقی و مدنی و سپس اتخاذ سیاست‌هایی که لازمه این اقدام هستند یعنی گسترش آزادی رسانه‌ها و حاکمیت قانون. بقیه کارها فقط ائتلاف وقت و منابع است و در بهترین حالت بهبودی‌های جزئی و البته موقتی و بازگشت‌پذیر ایجاد خواهد کرد.

□□□□□□ 1400 □□□□ 4 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□